

کسب امنیت ملی از منظر امام علی(ع) با تأکید بر نقش و کارکرد نیروهای نظامی و انتظامی یدالله حاجی‌زاده^۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۲۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۹/۲۰

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا / سال دوم / شماره ششم - بهار ۱۳۹۷

چکیده

واکاوی نقش و کارکرد نیروهای نظامی و انتظامی در کسب امنیت ملی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا نه تنها ممکن است همکاری قشرهای مختلف جامعه را در این زمینه در پی داشته باشد، بلکه انگیزه دولت‌ها را در توجه بیشتر به این نیروها افزایش می‌دهد و در نهایت امنیت را در جنبه‌های مختلف در جامعه مستقر می‌سازد. در این میان توجه به دیدگاه‌های امام علی(ع) به عنوان یکی از شخصیت‌های مشهور جهان اسلام و مؤلفه‌هایی که آن حضرت برای کسب امنیت ملی به آنها توجه کرده‌اند، اهمیتی ویژه‌ای دارد. بررسی منابع متقدم به خصوص منابع تاریخی، حدیثی و به ویژه نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که امام علی(ع) برای استقرار امنیت مؤلفه‌های مهمی را ضروری دانسته‌اند که از مهم‌ترین آنها بهره‌گیری از نیروهای نظامی و انتظامی است.

واژگان کلیدی

امام علی(ع)، امنیت، نیروهای نظامی و انتظامی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

امنیت در طول تاریخ از مهم‌ترین خواست‌های بشر بوده است. انسان‌ها برای دستیابی به این گوهر ارزشمند هزینه‌های زیاد و تلاش‌های فراوانی کرده‌اند. شاید یکی از مهم‌ترین اموری که بشر در امنیت‌بخشی به آن دست یافته تشکیل حکومت است که در منابع دینی و از منظر پیشوایان دین نیز عاملی بسیار مهم در امنیت‌بخشی به شمار می‌آید. امام علی (ع) به عنوان دومین شخصیت مشهور جهان اسلام با اشاره به مؤلفه‌هایی چند در ساختار حکومت، نیروهای نظامی و انتظامی را مهم‌ترین قشری می‌دانند که برای استقرار امنیت ملی و پیشبرد امور جامعه ضروری هستند.

مقالاتی مانند «امنیت از دیدگاه امام علی (ع)» به قلم محمدمهدی بهداروند، «درآمدی بر امنیت در سپهر اندیشه حضرت علی (ع)» اثر سیاوش بهرامی، «تأملی بر مسئله امنیت و ابزارهای ایجاد آن در عصر امام علی (ع)» از مریم معینی‌نیا و «سیره امنیتی امیرالمؤمنین امام علی (ع)» از حمیدرضا مطهری به صورت کلی امنیت را از منظر آن حضرت مورد توجه قرار داده‌اند. تنها مقاله «امام علی (ع) و امنیت ملی» نوشته حسن عاشوری لنگرودی با موضوع مقاله پیش رو مشترک است. این مقاله در مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی «امام علی (ع) و عدالت، وحدت و امنیت» به اهتمام مهدی گلشنی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسید. مقاله «امام علی (ع) و امنیت ملی» ضمن اشاره به ابعاد امنیت در کلام امام علی (ع)، ذیل عنوان «امام علی (ع) و پایه‌های امنیت ملی» به مسائلی مانند وحدت و همدلی در مردم، ایمان محکم، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، امنیت در قالب حکومت، قانون‌گرایی و تقویت بنیه دفاعی پرداخته و در همین بخش و در کمتر از نیم صفحه (ضمن استناد به کلام امام علی (ع) در عهدنامه مالک) به امنیتی که نیروهای نظامی تأمین می‌کنند، اشاره کرده است.

مفهوم‌شناسی

۱. امنیت در لغت

واژه امنیت^۱ از ریشه امن، ضد ترس است. راغب اصفهانی کلمه امن را آرامش خاطر، آرامش نفس و از بین رفتن ترس معنی و اشاره می‌کند واژه «امان» گاهی اسم است و برای حالتی که

1 . Security

انسان در امنیت است، به کار می‌رود و گاهی به چیزی که باعث امنیت می‌شود، امان گویند مانند سخن خدای تعالی که فرمود: «و تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ» (انفال/۲۷)؛ یعنی به چیزهایی که بر آنها ایمن بودید، خیانت کردید (راغب اصفهانی، بی تا: ۹۰).^۱ در فرهنگ لغت ابجد واژه اَمْن به امنیت، اعتماد، اطمینان، امان و آرامش خاطر ترجمه و اشاره شده است: «رِجَالُ الْأَمْنِ وَ قُؤَى الْأَمْنِ» که به معنای افراد و پلیس امنیتی است که وظیفه حمایت از جان و مال مردم را به عهده دارند (بستانی، ۱۳۷۵: ۱۳۴). فراهیدی در العین واژه امن را ضد ترس معنی کرده و آن را مصدری دانسته که فعل اَمِنَ يَأْمَنُ أَمْنًا از آن گرفته شده است و اشاره دارد که واژه «مأمن» به معنای مکان ایمن است (فراهیدی، بی تا، ج ۸: ۳۸۸).^۲ در فرهنگ لغات فارسی هم امنیت به معنای بی‌بیمی، ایمنی، در امان بودن و ایمن شدن آمده است (معین، ۱۳۵۶، ج ۱)، ذیل واژه امنیت). برخی هم، مفهوم لغوی امنیت را عبارت از حالت فراغت از هر گونه تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله دانسته‌اند (عاشوری، ۱۳۶۶، ذیل واژه امنیت). بنابراین می‌توان گفت واژه امنیت در معنای لغوی‌اش دربردارنده دو جنبه ایجابی و سلبی است. از جنبه ایجابی به معنای اطمینان‌بخشی و آرامش‌دهی و از جنبه سلبی، نفی ترس و ناآرامی است.

۲. امنیت در اصطلاح

تعریف اصطلاحی امنیت ممکن است کمی دشوار باشد؛^۳ زیرا امنیت- علاوه بر اینکه دارای سطوح مختلفی است، یعنی هم جنبه فردی دارد و هم جنبه اجتماعی- دارای مصادیق گوناگونی است که شاید نیاز باشد در تعریف امنیت به همگی آنها توجه شود.^۴ به نظر می‌رسد این امر سبب شده است که هر یک از محققان و نویسندگان از دیدگاه خویش به تعریف این واژه بپردازند.

در یکی از این تعاریف از آرنولد و لفرز آمده است: «امنیت در یک مفهوم عینی، فقدان تهدیدها نسبت به ارزش‌های اکتسابی تلقی می‌شود» (روشندل، ۱۳۸۸: ۱۱). جان مروز می‌گوید: «امنیت عبارت است از آزادی نسبی از تهدیدهای خطرناک» (میرعب، ۱۳۷۹:

۱ . «أصل الأَمْنِ: طمأنينة النفس و زوال الخوف...»

۲ . «الأَمْنُ: ضد الخوف...»

۳ . یکی از محققان می‌نویسد: شکی نیست که واژه «امنیت» مفهومی غیرتوسعه‌یافته، دوطهلو، مبهم و نارسا و از نظر امنیتی جدال‌انگیز و از نظر کاراکتر متباین و پارادوکسیکال است (به‌دراوند، ۱۳۸۰: ۱۱).

۴ . درباره سطوح و گونه‌های امنیت رک: (هاشمیان فرد، ۱۳۹۰).

۱۳۷). در تعریف دیگری آمده است: «مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و در مورد افراد، به معنی آن است که مردم هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته باشند و به هیچ وجه حقوق‌شان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید نکند» (بهرامی، ۱۳۸۴: ۱۲۴). شهید مطهری (ره) نیز امنیت را در این می‌داند که دارایی‌های یک موجود زنده (مثل انسان) اعم از حیات، تعلیم و تربیت، ثروت و سلامتی وی توسط یک نیروی خارجی سلب نشود (مطهری، ۱۳۸۹ الف: ۱۲). در تعریفی دیگر از امنیت آمده است: «احساس مصونیت در برابر عواملی که آرامش زندگی و حقوق فرد و جامعه را به مخاطره می‌افکند و زندگی و آزادی و مزایای مشروع زندگی انسان را مورد تهدید قرار می‌دهد» (زنجان، ۱۳۶۷، ج ۳: ۳۶۲).

برخی از نویسندگان معتقدند نظریات درباره ماهیت امنیت، در بستر دو گفتمان اصلی «سلبی» و «ایجابی» طرح شده‌اند. در گفتمان امنیت سلبی، با نبود عامل «تهدید» امنیت ایجاد می‌شود و راهکار آن تقویت توان نظامی است و در گفتمان امنیت ایجابی، علاوه بر نبود تهدید، وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواست‌های جمعی مد نظر است. در اینجا جامعه باید به حد قابل قبولی از اطمینان برای تحصیل و پاسداری از منافعش دست یافته باشد (نوبدینیا، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۷). این نویسنده سپس با توجه به این دو گفتمان، امنیت را این‌گونه تعریف می‌کند: «امنیت یعنی رفع خطر، رفع خطر یعنی استفاده بهینه از فرصت» (نوبدینیا، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۷). با توجه به تعاریف فوق به نظر می‌رسد امنیت وضعیت مطلوبی است از استقرار آرامش، ایمنی و آسودگی در وجود انسان به گونه‌ای که فرد و جامعه هیچ تهدیدی احساس نکنند و هیچ بیم و نگرانی از به خطر افتادن حقوق مشروع خویش نداشته باشند. این آرامش و امنیت می‌تواند جنبه‌های مختلفی داشته باشد که شاید بالاترین مراحل آن آرامش روانی است که در پرتو یاد خداوند پدید می‌آید.

اهمیت، ارزش و ضرورت امنیت

امنیت یکی از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین عوامل دستیابی به پیشرفت و توسعه در یک جامعه است. بدون وجود امنیت در جامعه، همه راه‌ها برای دستیابی به تمدن و زندگی سالم مسدود خواهد شد. حضرت ابراهیم (ع) هنگام بنای کعبه در اولین دعای خویش، نعمت «امنیت» را درخواست کرد (ابراهیم/۳۵).

در قرآن کریم، خداوند، خویشتن را مصداق «امنیت‌بخش» معرفی کرده است (حشر/۲۳). در آیه‌های ۳ و ۴ سوره قریش خداوند امنیت را یکی از دو نعمت بزرگ خویش معرفی کرده و به همین علت خواستار شکرگزاری بندگان شده است (قریش/ ۳و۴). در آیه ۲۳ سوره حشر نیز خداوند یکی از صفات خویش را «امنیت‌بخش» معرفی کرده است.^۱ مرحوم علامه طباطبایی در جلد ۱۹ المیزان در تفسیر همین آیه می‌نویسد: «مؤمن کسی است که به تو امنیت بدهد و تو را در امان خود حفظ کند» (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹: ۲۲۲).

در قرآن و در برخی آیات، مسئله امنیت به «ایمان» ارتباط پیدا کرده است. در آیه چهارم سوره فتح به نزول آرامش و امنیت در دل‌های اهل ایمان اشاره شده و در آیه ۸۱ سوره انعام تنها خداپرستان را شایسته ایمنی از مجازات الهی معرفی کرده است. در آیه بعدی همین سوره بار دیگر اهل ایمان را که ایمان‌شان با ظلم و ستم به دیگران همراه نیست، شایسته امنیت می‌داند (انعام/۸۱-۸۲). در آیه ۵۵ سوره نور نیز امنیت به عنوان یکی از اهداف استقرار حکومت مؤمنان و صالحان روی زمین معرفی شده است (نور/۵۵).

بنابراین می‌توانیم بگوییم در قرآن کریم، امنیت یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی معرفی شده که شایستگی داشتن چنین نعمتی برای اهل ایمان (مؤمنان) است و همگی باید قدر آن را بدانند و شکرگزار آن باشند.

در روایات نیز امنیت نعمتی بسیار ارزشمند و بزرگ معرفی شده که کمتر مورد توجه و قدردانی قرار گرفته است. در حدیثی رسول خدا(ص) امنیت را در کنار سلامتی دو نعمت بسیار ارزشمند شمرده که قدر آن دو کمتر شناخته شده است.^۲

در حدیثی مشابه، سلامتی و آسودگی (الصحة و الفراغ) دو نعمتی معرفی شده‌اند که مردم درباره آنها ناسپاسی می‌کنند.^۳ محمدتقی مجلسی در توضیح این حدیث، «الصحة و الفراغ» را به امنیت ترجمه می‌کند و آن دو را نعمت‌هایی می‌داند که قدر و ارزش آنها شناخته‌شده نیست و تا زمانی که انسان آنها را از دست ندهد به ارزش واقعی آنها پی نمی‌برد.^۴

«امنیت‌بخشی» به دیگران نیز در احادیث رسول خدا(ص) مورد توجه قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که آن حضرت در حدیثی، بهترین افراد را کسانی معرفی کرده است که دیگران از

۱. «... الْمُؤْمِنُ الْمُتَّقِينَ»

۲. «نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَاقِبَةُ» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۴)؛ «الْأَمْنُ وَالْعَاقِبَةُ نِعْمَتَانِ مَعْبُودَاتَانِ فِيهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ» (نهج الفصاحة، ۱۳۸۲: ۳۶۸).

۳. «الصَّحَّةُ وَالْفَرَاغُ نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ» (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴: ۳۸۱).

۴. «... و لا يعرف قدرهما أحد ما لم يبتل بزوالهما» (مجلسی، روضة المتقین، ج ۱۳: ۲۸). در حدیثی مشابه آمده است: «خَصَلْتَانِ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ مُتُونٌ فِيهِمَا الصَّحَّةُ وَالْفَرَاغُ» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۴).

دست‌شان در امنیت باشند و بدترین افراد را کسانی معرفی کرده که دیگران از شر آنان امنیت نداشته باشند.^۱

در زندگی فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی نیز همگان به این نعمت ارزشمند نیاز دارند. به تعبیر یکی از نویسندگان «در جامعه‌ای که امنیت فردی، اجتماعی، سیاسی، فکری، معنوی، فرهنگی، اقتصادی، شغلی، قضایی و مرزی فراهم نباشد، نیل به سعادت ممکن نیست» (ماندگار، ۱۳۸۱: ۵۴). در یکی از سخنان امام صادق (ع) امنیت به عنوان یکی از اموری که همه مردم بدون استثنا به آن نیازمندند، معرفی شده است.^۲ شهید مطهری (ره) در کنار تربیت و آزادی، امنیت را یکی از ضروریات و احتیاجات موجودات زنده از جمله انسان‌ها می‌داند.^۳ مقام معظم رهبری نیز امنیت را در همه شئون زندگی ضروی می‌دانند. ایشان ضمن اشاره به همین مطلب می‌گویند: «در دوران عبادت، در دوران سازندگی، در دوران تجارت، هر فعالیتی که انسان بخواهد بکند، محتاج امنیت است» (بیانات رهبری، ۱۳۷۶). احتمالاً به علت اهمیت امنیت، در فقه اسلامی سخت‌ترین مجازات‌ها برای کسانی قرار داده شده که امنیت جامعه را برهم می‌زنند (مائده/۳۳).^۴

شاید یکی از عواملی که سبب شده است «شهید» در جامعه اسلامی و در منطق اسلام از ارج و مقام و جایگاه بلندی برخوردار شود، همین باشد که شهید با نثار خون خویش، راه دستیابی به امنیت را در جامعه فراهم می‌سازد و دیگران (دانشمندان، مخترعین، صنعت‌گران و سایر قشرهای جامعه) در پرتو امنیتی که بر اثر جان‌فشانی او در جامعه ایجاد می‌شود، به علم و اختراع و صنعت و ... خویش می‌پردازند. شهید مطهری ضمن اشاره به همین مطلب معتقد است کسی که بیشترین خدمت را به جامعه می‌کند، شهید است (مطهری، بی‌تا، ج ۱۷: ۴۲). از منظر امام علی (ع)، امنیت از جنبه‌های مختلف دارای اهمیت و ارزش است. احادیثی که در منابع مختلف از آن حضرت نقل شده است، نشان می‌دهد امنیت جایگاهی بسیار مهم، درخور توجه و حیاتی دارد. از منظر آن حضرت هیچ نعمتی گواراتر از امنیت نیست^۵ و آسودگی زندگی در امنیت است.^۶ امام علی (ع) در حدیثی دیگر، وطنی را که انسان در آن

۱ . «...خَيْرُكُمْ مَنْ يُرْجَى خَيْرُهُ وَيُؤْمَنُ شَرُّهُ» (احمد بن حنبل، بی‌تا، ج ۳: ۲۹۸).

۲ . «ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءٌ يَخْتَاجُ النَّاسُ طَرَا إِلَيْهَا الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۲۰).

۳ . دومین چیزی که موجود زنده به آن احتیاج دارد امنیت است (مطهری، ۱۳۸۹ الف: ۱۲).

۴ . درباره حد محارب رک: (مطهری، ۱۳۸۸: ۱۳۶).

۵ . «لا نعمة هنا من الامن» (تمیمی آمدی، بی‌تا، ج ۲: ۸۵۸).

۶ . «رفاهية العيش في الأمن» (لیثی الواسطی، ۱۳۷۶: ۲۷۱).

امنیت و شادی ندارد، خیر نمی‌داند.^۱ در احادیثی مشابه، بدترین شهرها را شهری می‌داند که در آن امنیت نباشد.^۲ همچنین آن حضرت، زندگی همراه با ترس را زندگی و حیات نمی‌داند.^۳ طبیعتاً مقصود از زندگی همراه ترس، زندگی است که در آن امنیت نیست؛ به همین علت چنین زندگی‌ای اصولاً ارزش ندارد و نمی‌توان نام «حیات» و زندگی بر آن نهاد. شهید مطهری(ره) ذیل حدیث «زندگی بدون امنیت خوشی ندارد»^۴ اشاره دارد «... آنجا که امنیت و اعتماد و اطمینان نیست، زندگی گوارا نیست، دائماً نگرانی است، خوف است، اضطراب و دلهره است؛ آدمی همیشه باید مواظب خود باشد که از ناحیه همان دوستانش خیانت نبیند» (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۶۲).

امنیت ملی

یکی از مهم‌ترین گونه‌های امنیت در یک کشور، امنیت ملی است. با ایجاد امنیت ملی فعالیت‌های اقتصادی و تلاش برای سازندگی کشور و افتخارآفرینی رونق می‌گیرد. از امنیت ملی احتمالاً به علت پیچیدگی‌اش، تعاریف گوناگونی ارائه شده است. لیپمن، نویسنده و محقق آمریکایی، در تعریفی که به امنیت ملی نزدیک است، می‌گوید: «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را ببرد [پیروز شود]» (بهرامی، ۱۳۸۴: ۱۲۴). در این تعریف حفظ ارزش‌های اساسی کشور و غلبه بر تهدیدهای خارجی، مصداق بارز امنیت شمرده شده است. عمید زنجانی این تعریف را از امنیت ملی پذیرفته است: «امنیت ملی عبارت است از احساس آزادی کشور در تعقیب هدف‌های ملی و فقدان ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع اساسی و حیاتی کشور» (زنجانی، ۱۳۶۷، ج ۳: ۳۷۲ به نقل از آقابخشی، ۱۳۶۳: ۱۷۳). در این تعریف نیز امنیت ملی، دستیابی به شرایطی است که مصونیت از تهدیدهای خارجی را در پی داشته باشد. در تعریفی مشابه آمده است: «امنیت ملی، یعنی دستیابی به شرایطی که به کشوری امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی

۱. «لَا خَيْرَ ... وَ لَا فِي الْوَطَنِ إِلَّا مَعَ الْأَمْنِ وَ الْمَسْوَةِ» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۲۴).

۲. «شر البلاد بلد لا امن فيه» یا «شر الاوطان ما لم يامن فيه القطان» (تمیمی آمدی، بی‌تا، ج ۱: ۴۴۳).

۳. «لَا حَيَاةَ مَعَ مَخَافَةٍ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۱۳)، «فَلَا يَتَهَنَأُ بِحَيَاةٍ مَعَ مَخَافَةٍ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۷).

۴. «فَلَا يَتَهَنَأُ بِحَيَاةٍ مَعَ مَخَافَةٍ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۷).

و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد.^۱ شاید به تعبیری ساده‌تر بتوان گفت: امنیت ملی عبارت است از اینکه دولتمردان چه سیاست‌ها و تصمیم‌هایی را برای حمایت از ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدهای خارجی اتخاذ کنند.

راهکارهای دستیابی به امنیت ملی از دیدگاه امام علی(ع)

قبل از اشاره به راه‌های دستیابی به امنیت از دیدگاه امام علی(ع) توجه به یک نکته اساسی در این زمینه حائز اهمیت به نظر می‌رسد و آن اینکه امام علی(ع) به‌رغم تلاش‌های فوق‌العاده برای حفظ امنیت جامعه اسلامی، هرگز حاضر نبودند مسائل اخلاقی را فدای امنیت کنند. به تعبیری امام علی(ع) حاضر نبودند برای رسیدن به امنیت، مسائل اساسی و اخلاقی اسلام را نادیده بگیرند، هر چند این امر به ضرر آن حضرت تمام شود. به همین علت وقتی برخی یاران امام علی(ع) ظاهراً از روی خردمندی خواستار ابقای معاویه بر شام بودند،^۲ امام با خواسته آنان مخالفت کردند و فرمودند: «به خدا قسم، من در اجرای وظایف مذهبی خود دورویی نمی‌کنم.»^۳ این تعبیر امام نشان می‌دهد آن حضرت روش مذکور را نوعی دورویی و ریاکاری می‌دانستند و حاضر نبودند برای حفظ امنیت جامعه اسلامی از این روش که احتمالاً می‌توانست در «امنیت‌بخشی» به جامعه مؤثر باشد، بهره ببرند. امام علی(ع) حتی حاضر نبودند برای دو روز، معاویه را بر شام ابقا کنند^۴ و این کار را مخالفت صریح با آیات قرآن می‌دانستند.^۵

توجه به سیره و عملکرد امام علی(ع) در این موضوع نشان می‌دهد که ایشان برخلاف برخی از سیاستمداران و حاکمان که ممکن است از هر روشی به منظور حفظ حکومت و امنیت استفاده کنند، حاضر نبودند چنین عملکردی داشته باشند و آن را خلاف اخلاق انسانی و اسلامی و خلاف دستورهای قرآنی می‌دانستند.^۶

در ادامه راهکارهای حضرت علی(ع) برای دستیابی به امنیت ملی بیان می‌شود.

۱ . مطهری، سیره امنیتی امیرالمؤمنین امام علی(ع)، ص ۱۰۸، به نقل از احمد نقیب زاده، نظریه‌های کلان در روابط بین‌المللی، ص ۹۲ درباره تعاریف دیگر از امنیت ملی، رک: (حمیدرضا مطهری، ۱۳۸۵: ۱۰۸ به بعد).

۲ . «... لا ترد عمال عثمان عامک هذا» (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۳۵۵).

۳ . «و الله لا اداهن فی دینی» (ابن صباغ مالکی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۳۵۸).

۴ . «لا والله لا استعمل معاویه یومین ابداً» (طبری، ۱۳۸۷، ج ۴: ۴۴۱، مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۳۵۶).

۵ . «... لم یکن الله لیرانی اتخذ المظلمین عَصداً» (منقری، ۱۴۰۴ق: ۵۲؛ ابن اعم کوفی، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۵۱۵).

۶ . برای اطلاعات بیشتر رک: (حاجی زاده، ۱۳۹۲).

۱. تشکیل حکومت

در اسلام تشکیل حکومت ضرورتی انکارناپذیر به شمار می‌رود. رسول گرامی اسلام، حضرت محمد(ص)، در اولین فرصتی که در مدینه برایشان فراهم شد، به تشکیل حکومت اقدام کرد و همین امر زمینه‌های رشد فرهنگی و تمدنی را در آینده به وجود آورد.^۱ شاید یکی از دلایلی که اسلام به «شهر» و سکونت در شهر اهمیت می‌دهد،^۲ استعداد شهرها برای استقرار دولت و حاکمیت است.

ناگفته پیداست که امنیت تنها در سایه تشکیل حکومت دست‌یافتنی است، زیرا حکومت می‌تواند با نیروها و امکاناتی که در اختیار دارد، مجرمان را به علت جرمی که مرتکب شده‌اند مورد تعقیب قرار دهد.

امام علی(ع) در سخنی صریح، وجود حاکم و زمامدار را عامل ایجاد امنیت در جامعه معرفی کرده‌اند: «مردم به زمامدار، خواه نیکوکار و خواه بدکار، نیازمندند تا ... به کمک او با دشمنان مبارزه شود، جاده‌ها امن و امان گردد، حق ضعیفان از نیرومندان گرفته شود، نیکوکاران در رفاه و مردم از دست بدکاران در امان باشند.»^۳ در این کلام ارزشمند، امام علی(ع) به امنیت به عنوان یکی از مهم‌ترین کارکردهای حکومت اشاره دارد.

از دیدگاه امام علی(ع)، تشکیل حکومت در حقیقت به منظور اصلاح جامعه و «امنیت‌بخشی» صورت می‌گیرد. در پرتو تشکیل حکومت و امنیتی که از این طریق (با سرکوبی متجاوزان و مجرمان) به دست می‌آید، قوانین و مقررات اسلامی اجرا می‌شود. امام علی(ع) در خطبه ۱۳۱ نهج‌البلاغه تلاش خویش برای دستیابی به حکومت را ایجاد امنیت برای مردم و برپایی قوانین و مقررات الهی دانسته‌اند.^۴ از منظر امام علی(ع) باید «چنگال ظالمان از گریبان مظلومان جدا شود و حدود الهی اجرا گردد به گونه‌ای که ستم‌دیدگان احساس امنیت و آرامش کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۴۲۱).

همه این موارد نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین راه‌های کسب امنیت ملی، تشکیل حکومت است که امام علی(ع) بارها بر ایجاد آن تأکید کرده‌اند.

۱. «حکومتی که او پایه نهاد، سرانجام موفق به پایه‌ریزی تمدن بزرگ اسلام شد و عصر طلایی مسلمانان را رقم زد» (ولایتی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۵۷).

۲. «وَأَسْكُنُ الْأَمْصَارَ الْعِظَامَ...» (نهج‌البلاغه، نامه ۶۹، ص ۴۵۹).

۳. «لَا يَدُّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ...» (نهج‌البلاغه، خطبه ۴۰، ص ۸۲؛ احسائی، عولی اللثالی، ج ۴: ۱۲۷).

۴. «... فَيَأْمَنُ الْمَظْلُومُونَ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۱، ص ۱۸۸).

۲. تلاش برای دستیابی به وحدت

امنیت یکی از اصول اساسی در رشد فرهنگی و تمدنی است که در سایه وحدت به دست می‌آید. همه محققان و نظریه‌پردازان تاریخ و تمدن بر این نکته اتفاق نظر دارند که وجود امنیت در جهت رشد فرهنگی و تمدنی، یکی از مقدمات و زمینه‌های حتمی و ضروری است و بدون وجود امنیت، هیچ پیشرفتی در هیچ زمینه‌ای حاصل نخواهد شد.^۱ از طرفی یکی از پایه‌های اساسی کسب امنیت ملی، وحدت و همدلی میان قشرهای جامعه است که مهم‌ترین پیامد آن ثبات و پرهیز از جنگ و چالش و تفرقه است.

توجه به سخنان و سیره امام علی(ع) نشان می‌دهد که آن حضرت به منظور حفظ وحدت در جامعه اسلامی (که در نهایت امنیت را به جامعه هدیه می‌کند) از هیچ کوششی فروگذار نبوده است. آن حضرت چون وحدت را یکی از عوامل مهم دستیابی به امنیت می‌دانست، همواره در سخنان و سیره عملی خویش بر آن تأکید داشت.

از آنجا که بیان همه سخنان آن حضرت در این زمینه در حوصله این نوشتار نیست،^۲ تنها به یکی از سخنان ارزشمند ایشان اشاره می‌شود. حضرت علی(ع) آن‌گاه که با فتنه خوارج روبه‌رو شدند، در سخنی حکیمانه فرمودند: «همواره همراه بزرگ‌ترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا با این جمعیت است.»^۳ امام علی(ع) در این سخن نورانی همراهی با جمعیت مسلمانانی را که در مسیر حق قرار دارند موجب حمایت‌ها و تأییدات خداوند و آن را سبب امنیت افراد و جامعه دانسته‌اند.

۳. کسب تجهیزات نظامی

اهمیت فراهم آوردن ابزار جنگی و سلاح‌های متناسب با هر عصر و زمانی، بر کسی پوشیده نیست. ابزار جنگی و تجهیزات، علاوه بر اینکه موجبات بازدارندگی از حملات دشمن و به تعبیری امنیت را فراهم می‌آورد، هنگام بروز درگیری و جنگ نیز کمک شایانی به نیروها برای غلبه بر دشمن می‌کند. قرآن کریم به مسلمانان دستور داده است تا حد توان، سلاح و تجهیزات برای مقابله با دشمنان دین فراهم سازند (انفال/۶۰). این دستور طبیعتاً به منظور ایجاد امنیت صادر شده است. یکی از محققان ضمن اشاره به همین آیه شریفه می‌نویسد:

۱. به عقیده ویل دورانت «ظهور تمدن هنگامی امکان‌پذیر است که هرج و مرج و ناامنی پایان یافته باشد...» (دورانت، ۱۳۵۲، ج ۸، ص ۳).

۲. در این باره رک: (آقا نوری، ۱۳۸۸: ۶۱ به بعد ذیل عنوان: «ضرورت و جایگاه وحدت در سیره و سخنان ائمه(ع)»).

۳. «...فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷، ص ۱۸۴).

ایجاد امنیت جانی و اجتماعی از مهم‌ترین مصالح مسلمانان است و تأثیر بسزایی در رشد، آرامش و رفاه عمومی دارد (رضایی اصفهانی، بی‌تا، ج ۵: ۱۱۸).

توجه به سیره امام علی(ع) نشان می‌دهد آن حضرت به منظور مقابله با دشمنانی که امنیت جامعه اسلامی را به خطر انداخته بودند، به فراهم کردن تجهیزات نظامی توجه داشته‌اند. در جنگ جمل حضرت علی(ع) پیکی به مدینه فرستادند تا برای ایشان سلاح و تجهیزات تهیه و ارسال کند (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۲۳؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱۳: ۲۳۷). در جنگ صفین نیز حضرت وقتی خودخواهی معاویه و عدم بیعت او و در نتیجه احتمال جنگ و درگیری را دادند، دستور به آمادگی و فراهم کردن سلاح و امکانات جنگی را صادر کردند و ضمن گفتاری به یاران خود فرمودند: پس برای جنگ آماده شوید و لوازم آن را فراهم کنید.^۱ پس از پایان نبرد با خوارج نهروان نیز علی(ع) چون خواستار نبرد مجدد با معاویه بودند، از مردم خواستند هر چه می‌توانند نیرو و اسبان جنگی آماده سازند.^۲ علاوه بر این امام علی(ع) از کارگزاران خویش در شهرهای مختلف درخواست داشتند نیروهای نظامی و تجهیزات جنگی را به منظور مقابله با دشمن همراه خویش داشته باشند.^۳

۴. وجود نیروهای نظامی

وجود نیروهای نظامی و انتظامی در هر جامعه‌ای برای ایجاد امنیت و نظم امری ضروری و بایسته است. در مواردی باید نیروهایی در جامعه وجود داشته باشد که آمادگی کاملی برای مقابله با دشمنان خارجی داشته باشند تا بتوانند امنیت ملی را تضمین کنند. بررسی منابع متقدم نشان می‌دهد امام علی(ع) در موارد متعددی به ضرورت نیروهای نظامی اشاره کرده و یکی از مهم‌ترین کارکردهای آنان را کسب امنیت دانسته‌اند. آن حضرت وجود نیروی نظامی را برای حکومت از آن جهت ضروری می‌دانند که به کمک این نیرو می‌توان دشمنان دین و متجاوزان را سرکوب و بدین ترتیب عدالت و امنیت را در جامعه برپا کرد و عزت و سربلندی را برای جامعه اسلامی و مسلمانان به ارمغان آورد.

۱. «... وَ أَعِدُّوا لَهَا عَدَّتَهَا» (نهج البلاغه، خطبه ۲۶، ص ۶۸).

۲. «أیها الناس استعدوا للمسير إلى عدوكم...» (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ص ۳۷۹؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۶: ۲۶۱۵).

۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک: (حاجی زاده، ۱۳۹۲: ۱۱۱-۱۱۲).

الف) نیروهای نظامی در رأس ساختار حکومت

از دیدگاه امام علی(ع)، جامعه از گروه‌های مختلف از جمله نیروهای نظامی و انتظامی تشکیل شده است. وجود هر یک از این گروه‌ها در ساختار حکومت و برای پیشبرد امور جامعه، ضروری محسوب می‌شود.^۱

امام علی(ع) که نیروهای نظامی و انتظامی را در رأس همه گروه‌های اجتماعی جامعه می‌داند، در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه به کارکردهای این طبقه اجتماعی اشاره می‌کند و می‌فرماید: «سپاهیان- به اذن پروردگار- حافظان و پناهگاه رعیت، زینت زمامداران، عزت و شوکت دین و راه‌های امنیت هستند.»^۲ در این بخش از نامه امام علی(ع) که خطاب به مالک اشتر نوشته شده، آن حضرت به هفت گروه اجتماعی اشاره می‌کند و چون نیروهای نظامی و انتظامی را مهم‌ترین رکن جامعه می‌داند، از آنها شروع کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۴۵۲). بر اساس این نامه، از دیدگاه حضرت علی(ع)، نظامیان یکی از مهم‌ترین گروه‌های جامعه و در حقیقت یکی از ابزارهای سیاسی در اختیار حکومت هستند که حضرت یکی از وظایف و کارکردهای اساسی آنان را برقراری امنیت خارجی و دفاع از دولت در برابر تجاوز دشمنان و هجوم باند‌های وابسته به بیگانگان دانسته‌اند.

ب) نیروهای نظامی و تأمین امنیت مرزی

امام علی(ع) در نامه ۴۶ نهج‌البلاغه نیز یکی از وظایف نیروهای نظامی را تأمین امنیت مرزی دانسته‌اند. آن حضرت در نامه‌ای که احتمالاً آن را برای مالک اشتر نوشته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۲۴۷)، اشاره دارند تأمین امنیت مرزهایی که در معرض خطر حمله دشمن قرار دارند، با کمک وی امکان‌پذیر است. تعبیراتی که امام علی(ع) در این نامه به کار برده‌اند نشان می‌دهد که امام(ع) گروهی از افراد شجاع و صاحب معرفت را انتخاب کرده بودند که در اموری مانند درهم کوبیدن سرکشان تبه‌کار و حفظ مرزهای خطرناک، از آنان کمک می‌گرفتند. مخاطب نامه یعنی مالک اشتر یکی از آنان بوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۲۵۰). شکی نیست که مالک اشتر از نیروهای نظامی امام علی(ع) و بلکه در رأس نیروهای نظامی تحت فرمان آن حضرت بوده است. بنابراین امام علی(ع) احتمالاً به کمک وی و نیروهای تحت فرمانش، امنیت مرزهای حکومت اسلامی را تأمین می‌کرده است. تعبیری که امام علی(ع)

۱ . «و اعْلَمُ أَنَّ الرُّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ...» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۳۱).

۲ . «فَالجُنُودُ ... وَ سَبِيلُ الْأَمْنِ وَ لَيْسَ تَقْوَمُ الرُّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ص ۵۷۳).

در این نامه به کار بردند^۱ نشان می‌دهد این مأموریت تنها برای مالک اشتر نبوده، بلکه وی «یکی» از کسانی بوده که چنین وظیفه‌ای بر عهده داشته است. بنابراین می‌توان گفت احتمالاً امام علی(ع) در مناطقی از مرزها که از جانب دشمن احساس خطر می‌کرده، نیروهای دیگری را نیز به کارگیری می‌کرده است تا آنان بتوانند امنیت آن منطقه را تأمین کنند.

ج) نیروهای نظامی و نبرد با دشمنان

یکی از مهم‌ترین کارکردهای نیروهای نظامی و انتظامی در راستای کسب امنیت ملی نبرد با دشمنان است. هرچند «جنگ» فی‌نفسه امری مطلوب نیست، در برخی شرایط، جنگ و درگیری با دشمن، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. در برخی آیات قرآن به مسلمانان دستور داده شده است به منظور رفع فتنه، با دشمنان دین نبرد کنند^۲ و اشاره شده است اگر نبرد با برخی از مردم وجود نداشته باشد، فساد سراسر زمین را فرا خواهد گرفت (بقره/۲۵۱) و مراکز عبادی نابود خواهد شد (حج/۴۰). یکی از محققان اشاره دارد: «اسلام که خود طالب امنیت است، جنگ را در هر صورت منع کرده مگر اینکه برای جلوگیری از تعدی یا خاموش کردن آتش فتنه و آشوب باشد، که این خود نوعی بی‌امنیتی است و جنگ در این مورد در واقع برای ایجاد امنیت جایز شمرده شده است» (آگاه، ۱۳۸۷: ۱۵۶). امام علی(ع) ترک جنگ و جهاد را - در جایی که چاره‌ای جز آن نیست - عامل ذلت، بلا و حقارت شمرده‌اند.^۳ طبیعی است ذلت و خواری، بلا و حقارت از نشانه‌های بارز از دست دادن امنیت به شمار می‌رود. نامه امام علی(ع) به یکی از فرماندهان خویش درباره گروهی از یاغیان نشان می‌دهد هر چند جنگ، مطلوب اولی آن حضرت نیست، اما برای مقابله با یاغیان و کسانی که امنیت جامعه را بر هم می‌زنند، ضرورتی انکارناپذیر است.^۴ جنگ‌های امام علی(ع) با اصحاب جمل، معاویه و خوارج با کمک نیروهای نظامی و در راستای امنیت‌بخشی به جامعه بوده است.

به همین علت از منظر امام علی(ع)، مداهنه یا به تعبیری سستی و تنبلی در برخورد با دشمن می‌تواند امنیت ملی را با چالشی جدی مواجه کند. امام علی(ع) در روایتی ضمن اشاره به سستی و تنبلی یاران خویش برای مقابله با غارتگران شامی، این امر را زمینه‌ساز حملات

۱. فَإِنَّكَ مَعْنٍ... (تو از جمله کسانی هستی که...).

۲. «و قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ» (بقره/۱۹۳ و انفال/۳۹).

۳. «فَمَنْ تَرَكَهُ زَغَبَةً عَنْهُ أَلْسِنَةُ اللَّهِ تُوْبُ الذَّلَّ وَ شَمِلَهُ الْبِلَادُ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷، ص ۶۹).

۴. «فَإِنْ عَادُوا إِلَى ظِلِّ الطَّاعَةِ فَذَآكَ الَّذِي نَحْبُ...» (نهج‌البلاغه، نامه ۴، ص ۴۸۴).

آنان به قلمرو اسلامی می‌دانند و با سخنی تأکیدآمیز، نتیجه‌نهایی آن را از دست رفتن امنیت و عزت دانسته‌اند.^۱ سخنی که امام علی(ع) در اینجا به صورت یک حقیقت کلی بیان و با سوگند به اهمیت آن اشاره کرده‌اند، واقعیتی است که شواهد تاریخی بسیاری می‌توان بر آن ارائه کرد. خود حضرت به یک نمونه بارز آن اشاره کرده‌اند. آن حضرت پس از حمله سفیان بن عوف غامدی به انبار^۲ از نیروهای نظامی تحت فرمان خویش گله دارند و اظهار تأسف و ناراحتی می‌کنند که چرا نتوانسته‌اند امنیت این منطقه را حفظ کنند و چرا سستی به خرج داده‌اند که موجبات جسارت دشمن فراهم شده است.^۳ شهید مطهری(ره) سخن امام علی(ع) را این‌گونه تعبیر می‌کند: «وقتی امنیت این قدر نباشد که یک زن غیر مسلمان که در ذمه اسلام است، ایمنی داشته باشد و بیایند زینتش را از تنش به زور بکشند و ببرند و آب از آب تکان نخورد، در چنین شرایطی اگر انسان مسلمان بمیرد، مورد ملامت نیست و بلکه شایسته است» (مطهری، ۱۳۸۹: ۳۲).

آن حضرت در خطبه‌ای دیگر ضمن توبیخ کوفیان به علت ترک جهاد با غارتگران شامی، این امر را سبب از دست رفتن سرزمین‌هایی که زیر نظر حضرت اداره می‌شد، دانسته است.^۴ طبیعتاً با از دست رفتن این سرزمین‌ها عزت و امنیت ساکنانش نیز به خطر می‌افتاد.

نتیجه‌گیری

بدون شک امنیت یکی از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای یک جامعه است. بدون وجود امنیت تقریباً همه راه‌ها برای پیشرفت و توسعه مسدود خواهد شد. واکاوی سیره امام علی(ع) که در گفتارها و رفتارهای آن حضرت نمود یافته است، نشان می‌دهد از منظر آن حضرت، یکی از مهم‌ترین راهکارها برای دستیابی به امنیت ملی- پس از تشکیل حکومت- وجود و بهره‌گیری از نیروهای نظامی و انتظامی است. نیروهای نظامی و انتظامی به علت کارکرد مهمی که در این زمینه دارند از منظر آن حضرت در رأس گروه‌های هفت‌گانه جامعه هستند. نیروهای نظامی و انتظامی به عنوان بازوی قدرتمند حکومتی می‌توانند امنیت ملی را با مقابله با اخلاک‌گراان امنیت داخلی و با مقابله و سرکوبی نیروهای خارجی تأمین کنند.

۱. «... فَوَاللَّهِ مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي غَيْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷، ص ۶۹).

۲. شهری است در کرانه فرات در ۱۰ فرسنگی باختر بغداد. ایرانیان آن را «فیروز شاپور» می‌نامیدند (حموی، ۱۹۹۵، ج ۱: ۲۵۷).

۳. «فَتَوَاكَلْتُمْ وَ تَخَادَلْتُمْ حَتَّى سُنْتَ عَلَيْكُمْ الْفَارَاتُ...» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷، ص ۶۹).

۴. «أَفْ لَكُمْ... أَرْضِيْتُمْ بِالْخِيَاةِ الدُّنْيَا... وَ بِالذَّلِّ مِنَ الْعِزِّ خَلْفًا» (نهج‌البلاغه، خطبه ۴۳: ۷۸).

منابع فارسی

- قرآن کریم
- آقا بخشی، علی (۱۳۶۳)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: تندر.
- آقا نوری، علی (۱۳۸۸)، امامان شیعه و وحدت اسلامی، ج ۲، قم: ادیان و مذاهب.
- آگاه، یسرا (۱۳۸۷)، «امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر در آن در قرآن و حدیث»، مجله تخصصی الهیات و حقوق، ش ۳۰، زمستان.
- لیشی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، ج ۱، قم: دارالحدیث.
- احسایی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۳)، عولی اللئالی، اول، قم: مطبعه سید الشهداء.
- بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی، ج ۲، تهران.
- بهداروند، محمد مهدی (۱۳۸۰)، «امنیت از دیدگاه امام علی علیه السلام»، مجله دانش انتظامی، ش ۸، بهار.
- بهرامی، سیاوش (۱۳۸۴)، «درآمدی بر امنیت در سپهر اندیشه حضرت علی(ع)»، مجله دانش انتظامی، ش ۲۷، زمستان.
- بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت هفته گرامی داشت نیروی انتظامی سال ۱۳۷۶.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (بی تا)، غرر الحکم، ترجمه محمد علی انصاری، ج ۸، تهران: بی تا.
- حاجی زاده، یدالله (۱۳۹۲)، سیره نظامی امیر المؤمنین(ع)، اول، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴)، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.
- دورانت، ویل (۱۳۵۲)، تاریخ تمدن، تهران: اقبال.
- رضایی اصفهانی (بی تا)، قرآن و علم، ج ۵.
- رضایی اصفهانی، محمد علی (بی تا)، قرآن و علم، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی.
- روشندل، جلیل (۱۳۸۸)، امنیت ملی و نظام بین الملل، چ ۸، تهران: سمت.
- زنجانی، عمید (۱۳۶۷)، فقه سیاسی، چ ۱، تهران: امیر کبیر.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۲)، خصال، اول، قم: جامعه مدرسین.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۴)، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، پنجم، قم: جامعه مدرسین.

- عاشوری، داریوش (۱۳۶۶)، دانشنامه سیاسی، تهران: مروارید.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (بی تا)، کتاب العین، دوم، قم: هجرت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، کافی، پنجم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ماندگار، محمد مهدی (۱۳۸۱)، خط‌مشی‌های سیاسی نهج البلاغه، اول، قم: بوستان کتاب.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶)، روضه المتقین، دوم، قم: بنیاد کوشانپور.
- مطهری، حمید رضا (۱۳۸۵)، «سیره امنیتی امیرالمؤمنین امام علی (ع)»، مجله علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، ش ۳۳، بهار.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴د)، بیست گفتار، ۲۳، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، اصول فقه- فقه، ج ۳۳، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹الف)، آزادی معنوی، ج ۴۶، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹ب)، آینده انقلاب اسلامی، ج ۳۱، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (بی تا)، مجموعه آثار، تهران: صدرا.
- معین، محمد (۱۳۵۶)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیر کبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹)، پیام امام، اول، قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب.
- منقری، نصر بن مزاحم (۱۴۰۴)، وقعه صفین، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- میرعرب، مهرداد (۱۳۷۹)، نیم‌نگاهی به مفهوم امنیت، ترجمه سید عبدالقیوم سجادی، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۹، تابستان.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۸)، امنیت اجتماعی، اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نهج الفصاحه (۱۳۸۲)، چهارم، تهران: دنیای دانش.
- نهج البلاغه (صبحی الصالح) (بی تا)، قم: دارالهجره.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۴)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، چهارم، تهران: وزارت امور خارجه مرکز چاپ و انتشارات.
- هاشمیان فرد، زاهد (۱۳۹۰)، امنیت در اسلام، اول، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

منابع عربی

ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۵)، الكامل، بیروت: دار صادر.

ابن اعثم کوفی (۱۴۱۱)، الفتوح، اول، بیروت: دارالأضواء.
ابن صباغ مالکی (۱۴۲۲)، الفصول المهمه، قم: دار الحديث.
احمد بن حنبل (بی تا)، مسند احمد بن حنبل، بیروت: دار صادر.
بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷)، انساب الاشراف، تحقیق سهیل ذکار و ریاض زرکلی،
بیروت: دارالفکر.

حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۵۵)، معجم البلدان، ج ۲، بیروت: دار صادر.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا)، مفردات ألفاظ القرآن، ج ۱، بیروت: دارالقلم.
طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷)، تاریخ طبری، دوم، بیروت: دار التراث.
مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹)، مروج الذهب، دوم، قم: دار الهجره.
مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳)، الاختصاص، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ
المفید.

مقریزی، تقی الدین احمد بن علی (۱۴۲۰)، امتاع الاسماع، اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی